

فصلنامه جامعه‌شناسی (مقاله علمی-پژوهشی) سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹، صص ۵۴۰-۵۲۴

چیستی نافرمانی مدنی از منظر جامعه‌شناسی حقوق عمومی با مروری بر قوانین حاکم در ایران

حمید وطن خواه^۱ تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۹

سید محسن ظریفکار فرد^۲ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۸

حمید ضرابی استادیار^۳

روح اله رحیمی^۴

چکیده:

درک درست از نافرمانی مدنی در حوزه حقوق عمومی مبتنی بر شناخت صحیح آن به عنوان یک پدیده اجتماعی و یک واقعیت درونی در جامعه از جهت چیستی آن و پاسخ مناسب به این پرسش است که اگر دولت‌ها حاکمیت بوسیله قانون را جایگزین حاکمیت قانون کنند، مردم چگونه دولت‌ها را وادار به لغو یا اصلاح عملکرد خود می‌نمایند؟ نافرمانی مدنی یکی از شیوه‌های مؤثر در این خصوص می‌باشد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که صرف غیر خشونت‌آمیز بودن یک اقدام به تنهایی برای وصف نافرمانی مدنی کافی نیست و باید دارای دیگر ویژگی‌ها همانند آگاهانه و آشکار بودن، عدم تابعیت از قانون و پذیرش مسئولیت نیز باشد.

واژگان کلیدی: تبعیت، مدنی، نافرمانی، نافرمانی مدنی.

^۱. دانشجوی دکترای تخصصی گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

^۳. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۴. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

بررسی علمی راجع به برخی از پدیده های اجتماعی به علت پیچیدگی، در هم تنیدگی یا وسعت آن با استفاده از تنها یک همان گونه که آوگوست کنت^۱ نیز معتقد رشته امکان پذیر نیست و نیازمند بهره گیری از آموزه های سایر علوم نیز می باشد، بود که درک و تبیین پدیده های اجتماعی بدون قرار دادن آن در زمینه ی کلی اجتماعی اش امکان پذیر نمی باشد.^۲ ورود معارف و عناصر جامعه شناسانه به عرصه حقوق عمومی نه تنها سدی در راه گسترش آن نیست، بلکه پایه های این رشته از حقوق را نیز مستحکم تر می نماید، زیرا درک درست از پدیده های حقوقی مبتنی بر ارزیابی آن به عنوان یک امر و پدیده اجتماعی و جامعه شناسانه نیز است. «تبیین امر اجتماعی متضمن دو شرط است. یکی اینکه امر اجتماعی از علت های تبعیت می کند، دو دیگر این که این علت ها در خود جامعه حضور دارند.»^۳ این بدان معناست که حقوق در واقع شیوه اندیشیدن به روابط اجتماعی^۴ و موضوع محوری جامعه شناسی نیز مطالعه همه اشکال مقاومت در برابر نهادها و اقدامات گوروچ^۵ بیان می کند حقوقدانان آمیخته با قدرت است.^۵ نزدیکی و در هم تنیدگی این دو حوزه به حدی است که ژورژ غالباً بی آنکه خود متوجه باشند، جامعه شناسند.^۷

در این پژوهش با رویکردی حقوقی و جامعه شناسانه و با نگاهی متکثر ولی هماهنگ به بررسی چستی نافرمانی مدنی از منظر جامعه شناسی حقوق عمومی پرداخته شده و سعی در ایجاد اندیشه ای گردیده تا بتوان از آن به عنوان یک الگو جهت بررسی جامعه شناسانه رفتار کنشگران عرصه حقوق عمومی بهره گیری کرد. همچنین تلاش بر آن بوده که ۱۳ تأثیر پذیر هر دو رشته به نوعی به هم پیوند زده شده و همسویی و تکامل هر دو رشته را سبب گردد.

اولین نظریه راهبرد عدم اطاعت مدنی توده ها به صورت مسالمت آمیز از فرمان ها و زور گویی های حکومت توسط اتین دو لا بوئی^۸ فرانسوی در قرن ۱۶ مطرح گردیده است،^۹ لیکن تعبیر نافرمانی مدنی برای اولین بار از سوی هنری دیوید ثورو^{۱۰} بکار رفت.^{۱۱} ثورو به طور غیر مستقیم اصطلاح نافرمانی مدنی را در مجموعه مقالاتی که برای اولین بار در سال

^۱ Auguste Conte

^۲ گی روشه، مقدمه ای بر جامعه شناسی عمومی سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ پنجم (تهران: سمت، ۱۳۸۹) ص ۱۷.

^۳ ژان ایو دورماگن و دانیل موشار، مبانی جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ چهارم (تهران: آگه، ۱۳۹۶) ص ۱۶.

^۴ نوربر رولان، انسان شناسی حقوقی، ترجمه امیر نیک پی (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴) ص ۵۳.

^۵ مایکل بوراوی و دیگران، جامعه شناسی مردم مدار - جامعه شناسی در قرن بیست و یکم، ترجمه بهرنگ صدیقی و دیگران، چاپ دوم (تهران: نشر نی، ۱۳۹۵) ص ۱۲۶.

^۶ Georges Gurvitch

^۷ هانری لوی برول و دیگران، حقوق و جامعه شناسی، ژرژ گوروچ، ترجمه مصطفی رحیمی، چاپ دوم (تهران: نشر سروش، ۱۳۷۱) ص ۹۴.

^۸ Estienne de La Boetie

^۹ اتین دو لا بوئی، سیاست اطاعت: رساله ای در باره بردگی اختیاری، ترجمه علی معنوی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۸) ص ۴۱.

^{۱۰} Henry David Thoreau

^{۱۱} هنری دیوید ثورو، نافرمانی مدنی، ترجمه غلامعلی کشانی، چاپ سوم (تهران: نشر قطره، ۱۳۹۳)، پیش گفتار مترجم، ص ۹ و ۱۰.

۱۸۴۹ منتشر شد، ابداع کرد. این مقاله‌ها در ابتدا با عنوان مقاومت در برابر دولت مدنی و سرانجام با عنوان «در مورد نافرمانی مدنی» منتشر شد. شرح ثورو در مورد وظیفه شهروندان مبنی بر امتناع از دستورات دولت با تکیه بر وجدان خود، همراه با روایات شخصی خود مبنی بر امتناع از پرداخت مالیات و متعاقباً گذراندن یک شب در زندان درهم تنیده شده و یکی از تأثیرگذارترین متون نوشتاری را در درک واقعی دنیای مدرن و نقش و تأثیر عمل نافرمانی مدنی در یک دموکراسی غربی خلق کرده است.^۱ هانا آرنه^۲ دانش و ادبیات نافرمانی مدنی را تا حدود زیادی به دو مرد زندانی مشهور، سقراط^۳ در آتن و دیوید ثورو در کنکورد وابسته می‌داند؛ به نظر آرنه رفتار آنها موجب خرسندی قضات بود زیرا ثابت کردند که نافرمانی از قانون فقط در صورتی قابل توجیه است که قانون شکن نه تنها منتظر مجازات است بلکه حتی مجازات عمل قانون شکنانه خود را نیز می‌پذیرد.^۴

۱- چیستی نافرمانی مدنی

هنگامی که درباره ماهیت یک پدیده سخن گفته می‌شود، نخست باید آن را از لحاظ معیار بسندگی معنایی مورد واکاوی قرار داد، لذا نخست به تبیین مفهوم نافرمانی مدنی پرداخته شده، اگر چه هیچ مفهوم و تعریف مورد توافق و پایدار و ثابتی در مورد نافرمانی مدنی و دلایل بروز آن وجود ندارد که در طول زمان پایدار باشد.^۵

۱-۱ تبیین مفهوم نافرمانی مدنی

در فرهنگ فارسی عمید نافرمان به معنای «سرکش، متمرد، یاغی و خودسر»^۶ و در فرهنگ انگلیسی - فارسی حییم *civil* به معنای «کشوری و مدنی» و *obedience* به معنای «اطاعت و فرمانبرداری»^۷ بکار رفته است. در مجمع اللغات به چهار زبان^۸ نیز *disobedience* به معنای «نافرمانی، عصیان و سرپیچی» و معادل کلمه فرانسوی *desobeissance* و عربی «عقوق» آورده شده است. فرهنگ لغت آمریکایی هریتیج^۹ *civil disobedience* را سرپیچی از قوانین مدنی و تلاش به منظور تحمیل تغییر در سیاست دولت یا قوانین از طریق وسایل غیر خشونت‌آمیز تعریف نموده است. واژه تبعیت یا *subordination* نیز در تبیین مفهوم نافرمانی مدنی نقش کلیدی دارد. «رابطه تبعیت بین دو نفر عبارت است از حالت

^۱ Molly Sauter, (2014). *The Coming Swarm: DDOS action, hacktivism, and Civil Disobedience on the Internet*. (New York: 1385 Broadway) at 19.

^۲ Hannah Arendt

^۳ Socrates

^۴ Hannah Arendt, (1972). *Lying in Politics, Civil Disobedience, On Violence, Thoughts on Politics and Revolution*, Fourth Edition. (Florida: 6277 Sea Harbor Drive, Orlando), at 51-52.

^۵ Tony Milligan, (2013). *Civil Disobedience: Protest, Justification and the Law* (New York: 175 Fifth Avenue) at 13.

^۶ حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، چاپ هجدهم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲) ص ۱۰۲۱.

^۷ سلیمان حییم، فرهنگ یکجلدی حییم، چاپ هشتم (تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸)، صص ۱۳۴ و ۸۲۰.

^۸ سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی و همکاران، مجمع اللغات به چهار زبان (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳) ص ۶۳۲.

^۹ American Heritage Dictionary (2002). Fourth Edition (New York: Dell Publishing, Random House, Inc. 1540 Broadway 10036) at 163.

سلطه متبوع بر تابع به طوری که بتواند آن تابع را تحت اداره و نظر خود به کاری وا دارد هرچند که تابع عملاً دست به کار نشده باشد. تبعیت به معنی تابع دولت معین بودن هم به کار می رود.^۱

کوینت^۲ نافرمانی مدنی را از نوع گفتگوهای سیاسی و مستلزم انجام اقدامی مغایر با قانون می داند که معترضین با نقض قانون در ملاء عام و پذیرش مجازات آن، در واقع عدم پابندی خود را به یک سیستم حقوقی غیر عادلانه نشان می دهند. به نظر وی نافرمانی مدنی در چارچوب یک رژیم دموکراتیک و عادلانه تلاشی است از سوی اقلیت برای اعتراض به نقض اصول اساسی توسط اکثریت، اصول اساسی ای که هم اکثریت و هم اقلیت آن را پذیرفته اند. این تلاش اقلیت برای یادآوری به اکثریت راجع به اصول اساسی طرز حکومت و اداره کشور است. نافرمانی مدنی از این نظر در واقع نوعی گفتگوی سیاسی بین اقلیت و اکثریت در مورد یک موضوع خاص است.^۳

هابرماس^۴ جامعه و دولت را در تقابل با هم می بیند و لذا تجاوز از اصول هنجاری و استانداردهای مشروعیت بخش سیستم کل را محتمل دانسته و بر همین اساس نافرمانی مدنی را در قالب بحث‌هایی از دموکراسی مشورتی توجیه می کند.^۵ جوزف راز^۶ نیز بر این عقیده است که اگر دولت حق مردم را در مشارکت سیاسی نادیده بگیرد، افرادی که حقوق آن‌ها نقض شده حق دارند قانون آن دولت را نادیده گرفته و بر طبق اصول اخلاقی خود رفتار کنند؛ مردم تحت قلمرو دولت مزبور حق نافرمانی مدنی را دارند، چون نافرمانی مدنی مهم‌ترین حق مشارکت سیاسی است که در قانون به رسمیت شناخته نشده است.^۷ به نظر والتر هاردینگ^۸ «نافرمانی مدنی امری منفعل نیست، بلکه هدف بی‌درنگ آن گذاشتن چوب لای چرخ حکومت است.»^۹ به نظر جان رالز^{۱۰} نافرمانی مدنی یک رویه و عمل اصلاح طلبانه است که اغلب نظم اجتماعی موجود را تقویت می کند و از زیر سؤال بردن ارزش‌های بنیادین سیاسی موجود امتناع می ورزد.^{۱۱} کوهن^{۱۲} به همراه رالز شخصیت‌های محوری در توسعه این نظر می باشند که نافرمانی مدنی اساساً نوعی ارتباط بین اکثریت و اقلیت است.^{۱۳}

^۱ محمد جعفر جعفری لنگرودی، (۱۳۹۵)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، چاپ هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش، ص ۱۱۳۱.

^۲ Peter E Quint

^۳ Peter E Quint (2008). *Civil Disobedience and the German Courts* (Oxon: UK) at 40-41.

^۴ Jurgen Habermas

^۵ تورج رحمانی و علی مختاری، «نافرمانی مدنی: ایده‌ای برای عبور از بن بست نظری لیبرالیسم»، دو فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۸، (۱۳۹۴)، صفحات ۱-۷.

^۶ Joseph Raz

^۷ امیر احمدی، «احترام به قانون در اندیشه‌ی افلاطون»، فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، (۱۳۹۴)، دوره ۴۵، شماره ۱، صفحات ۱۹-۳۴.

^۸ Walter Harding

^۹ ثورو، همان ص ۲۲.

^{۱۰} John Rawls

^{۱۱} رولاند بلیکر، «رالز و محدودیت‌های نافرمانی مدنی مسالمت‌آمیز»، ترجمه مجتبی همتی، فصلنامه حقوق اساسی، سال ۵، شماره ۱۰، (۱۳۸۷)، صفحات ۲۳۹-۲۴۵.

^{۱۲} Gerald Cohen

^{۱۳} Milligan, op.cit.at 16.

اغلب نظریه پردازان فوق درک نسبتاً مشابهی از مفهوم نافرمانی مدنی داشته و آن را نوعی کنش سیاسی بین دولت و جامعه یا اکثریت حاکم و اقلیت و تلاشی برای وادار نمودن حاکمان به رعایت قانون بویژه قانون اساسی به شرط حفظ وضع موجود دانسته اند.

۱-۲ تعاریف نافرمانی مدنی

در تعریف نافرمانی مدنی اتفاق نظر وجود ندارد. والزر^۱ نافرمانی مدنی را نوعی برخورد یا مواجهه غیر انقلابی با دولت توصیف می‌کند. به نظر وی نافرمان قانون را زیر پا می‌گذارد، اما این کار را به روش‌هایی انجام می‌دهد که مشروعیت مقامات حکومتی یا سیستم‌های سیاسی را به چالش نمی‌کشد، نافرمان احساس می‌کند که از نظر اخلاقی ملزم به نافرمانی است، ولی ارزش اخلاقی دولت را نیز تشخیص می‌دهد؛ نافرمانی مدنی راهی برای حل تضاد درونی بین این دو ارزش اخلاقی متضاد است.^۲ تونی میلیگان^۳ عقیده دارد که تأثیرگذارترین تعریف علمی از نافرمانی مدنی، توسط رالز در کتاب نظریه عدالت نوشته شده است؛ به نظر رالز نافرمانی مدنی یک عمل عمومی، غیر خشونت‌آمیز، با اتکاء به وجدان و در عین حال سیاسی و در مخالفت با قانون است که معمولاً با هدف ایجاد تغییر در قانون یا سیاست‌های دولت انجام می‌شود.^۴ در واقع رالز همانند سقراط نافرمانی مدنی را مشروط به حفظ سیستم حکومتی موجود می‌پذیرد. جیسون هیل^۵ نافرمانی مدنی را باید نوعی شورش اخلاقی خواند، قیام علیه کسانی که بدون هیچ توجیهی هنجارهای اصلی زندگی و تعاملات انسانی ما را ویران می‌کنند.^۶ وی نافرمانی مدنی را ندای خرد و اخلاق مدنی می‌داند.^۷ گاندی^۸ نیز در تعریف نافرمانی می‌گوید: «نافرمانی کامل عمومی و مسالمت‌آمیز شورشی است که در آن خشونت وجود ندارد. کسی که به وسیله این قبیل نافرمانی به مقاومت می‌پردازد، در کمال سادگی وجود قدرت دولت را نادیده می‌انگارد. او یک قانون‌شکن خواهد بود که هیچ یک از قوانین غیراخلاقی دولت را محترم نخواهد شمرد و همه را بی‌اعتبار خواهد شناخت».^۹

ملاحظه می‌گردد اندیشمندان حوزه‌های گوناگون اعم از حقوق، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و فلسفه متأثر از شرایط زمانی و مکانی، عرف، هنجارها، باورها و فرهنگ‌های غالب بر جامعه و غیره به منظور تعریف و تبیین ماهیت نافرمانی مدنی هر کدام بر ویژگی‌ها و مشخصه‌های خاصی تأکید داشته و تنها در چارچوب این ویژگی‌هاست که یک پدیده و رفتار فردی یا اجتماعی را از مصادیق نافرمانی مدنی تلقی می‌نمایند، لیکن در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت که نافرمانی مدنی یک کنش سیاسی و نظارت اجتماعی آگاهانه و آشکار فردی یا جمعی است که نافرمان (نافرمانان) ضمن

¹ Michael Walzer

² Michael Walzer, (1970). *Obligations: Essays on Civil Disobedience, War, and Citizenship* (Harvard University press) at 24.

³ Tony Milligan

⁴ Milligan, op.cit.at14.

⁵ Jason D Hill

⁶ Jason D Hill, (2013). *Civil Disobedience and the Politics of Identity: When we should not Get Along* (New York:175 Fifth Avenue) at (x).

⁷ Ibid .at 51.

⁸ Mahatma Gandhi

⁹ ماهاتما گاندی، همه‌ی مردم برادرند، ترجمه محمود تفضلی، چاپ هفتم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶) ص ۲۵۹.

ایجاد فرصتی خردمندانه و مسالمت جویانه برای دولت و پس از حصول اطمینان از بی اثر بودن پیگیری های قانونی قبلی و عدم رسیدگی یا پاسخگویی شفاف دولت به مطالبات مشروع آن ها، به گونه ای مسئولانه و بدون داشتن سوء نیت و صرفاً با استناد به حق مشارکت خود در حاکمیت به عنوان شهروندان خوب، به شکل عدم اطاعت از قانون یا تصمیمی ناعادلانه یا مغایر با منافع یا اخلاق عمومی در یک بازه زمانی محدود و موقت و به منظور وادار کردن دولت به تغییر در قانون یا تصمیم راجع به موضوعی فراگیر و با قبول عواقب ناشی از عمل خود انجام می دهند.

۲- ویژگی های نافرمانی مدنی

یک کنش اجتماعی، اعم از فردی یا جمعی، را هنگامی می توان از مصادیق نافرمانی مدنی تلقی نمود که در بردارنده ویژگی ها، مشخصه ها و معیارهایی باشد که بتوان آن را از نافرمانی کیفری و سایر اقدام های قانون شکنانه تمیز داد؛ توجه به این ویژگی های اساسی و پایه ای و توان انطباق کنش شهروندان در این چارچوب و معیار هاست که قدرت و توان پرسشگری و مطالبه گری شهروندان را از یک سوی و میزان و ظرفیت مسئولیت پذیری، الزام به پاسخگویی و در نهایت موقعیت یک دولت را در طیف و نمودار ماهیتی انواع حاکمیت از سوی دیگر به سنگ محک آزمایش زده و تبیین می نماید؛ چرا که چهره بیرونی دولت ها الزاماً بیانگر چهره و ماهیت درونی آن ها نیست و در چگونگی رویارویی با چالش ها و نافرمانی های مدنی است که این ماهیت درونی و پنهان نمود بیرونی پیدا کرده و آنگ عیار بر آن ها می توان زد. لذا به سبب تنوع و ماهیت شناور نافرمانی مدنی و به منظور پیشگیری از اختلاط آن با دیگر گونه های کنش های اجتماعی، لازم است که ویژگی های نافرمانی مدنی را مورد واکاوی قرار داد.

۲-۱ عامدانه و آگاهانه بودن نافرمانی مدنی

حقوق محصول گروه اجتماعی است و همه اعضای جامعه کمابیش از رفتاری که باید در پیش گیرند و در هر شرایطی از آن روی نگردانند، به طور مبهم آگاهی دارند.^۱ هرچند که بین آگاهی فردی و آگاهی جمعی تفاوت وجود دارد. به نظر گورویچ «در هر جامعه ای آگاهی های جمعی بی شماری وجود دارد، چنان که در هر گروهی نیز چنین است و معمولاً کشمکش هایشان حادث از کشمکش های آگاهی های فردی است؛ اگر گسستگی هر آگاهی جمعی اغلب زیاده تر نباشد، دست کم به همان زیادی آگاهی های فردی خواهد بود»؛^۲ فیشته^۳ می گوید «مطلقاً غیرممکن و تناقض آمیز است که فردی که دارای آگاهی واضح از وظیفه ی خویش است، در لحظه ای که کنش می کند بتواند مقرون به آگاهی نیک تصمیم بگیرد [که] وظیفه اش را انجام ندهد. غیرممکن و تناقض آمیز است که تصمیم بگیرد علیه قانون بشورد، از تبعیت از آن امتناع کند و انجام ندادن وظیفه اش را مبدل به ضابطه خویش سازد.»^۴

^۱ هانری لوی برونل، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی، چاپ سوم (تهران: دادگستر، ۱۳۷۶) ص ۴۹.

^۲ ژرژ گورویچ، آگاهی جمعی در جامعه‌شناسی دورکیم، ترجمه فریدون سرمد (تهران: کند و کاو، ۱۳۹۱) ص ۱۰.

^۳ Johann Gottlieb Fichte

^۴ یوهان گوتلیپ فیشته، نظام آموزه‌ی اخلاق بر اساس اصول آموزه دانش، ترجمه سید مسعود حسینی (تهران: مرکز، ۱۳۹۶) ص ۲۸۴.

ماکس وبر^۱ دو نوع کنش عقلانی را مشخص می‌کند که هر یک از آن‌ها برای عالم علوم اجتماعی بر حسب وسایل - هدف‌ها مفهوم است، یکی عقلانیت هدفمند که در آن کنش‌گر همه‌ی پی‌آمدهای انتخاب وسیله‌ای معین برای رسیدن به هدفی معین را به‌طور عقلانی ارزیابی می‌کند و دیگری عقلانیت ارزشی که در آن فرد آگاهانه و با از خودگذشتگی کامل و بدون احتساب هزینه در پی نیل به هدف برتر است؛ وبر این دو کنش را در مقابل کنش غیر عقلانی قرار می‌دهد و می‌گوید که همه عناصر غیر عقلانی رفتار که به‌طور عاطفی تعیین شده‌اند، باید عوامل انحراف از نوع خالص کنش عقلانی در نظر گرفته شوند.^۲ نظر امیل دورکیم^۳ نیز در این خصوص قابل تأمل است. وی می‌گوید «آگاهی هر قدر تاریک‌تر باشد در برابر تغییر مقاوم‌تر است زیرا به سرعت نمی‌بیند که تغییر لازم است و یا در چه جهتی باید تغییر کرد، آگاهی روشنی یافته، بر عکس می‌داند که چگونه خود را از پیش برای تغییر آماده کند.»^۴ به نظر دورکیم هر چه مشورت، تفکر و ذهن نقاد در روال امور عمومی نقش بیشتری داشته باشند، مردم بیشتر دموکرات هستند، برعکس هر چه در ملتی ناآگاهی، عادات ناشناخته، احساسات تاریک و در یک کلمه تعصبات آزموده نشده برتری داشته باشند، آن مردم کمتر دموکرات هستند،^۵ لذا آگاهی سیاسی مردم و احساس مسئولیت آن‌ها در قبال سرنوشت جمعی خود و کشورشان می‌تواند سبب بقای جامعه‌ی مطلوبشان باشد و اگر چنین آگاهی و مسئولیتی وجود نداشته باشد، جامعه فرو می‌پاشد.^۶ ای.دی. لیندسی^۷ معتقد است که «فرد باید در جریان جامعه پذیری، شیوه و ضرورت ترجیح صلاح عمومی به مصلحت فردی را فراگیرد. اما وقتی افراد می‌توانند در اراده عمومی شرکت کنند و صلاح عامه را در نظر بگیرند که در اندیشه و بیان آن آزادی کامل داشته باشند، زیرا این آزادی باعث می‌شود درباره‌ی مسائل عمومی جامعه و دولت آگاهی لازم را به دست آورند و بدین‌سان فرصت و امکان تأمل در آن مسائل و نقد آن‌ها را بیابند.»^۸ به هر حال هیچ تضاد عینی به خودی خود به تحول نمی‌انجامد مگر آنکه گروه‌هایی که متأثر از آن تضاد هستند اعتقاد پیدا کنند که وضع شان ناعادلانه و غیرقابل تحمل است، لذا وضعیت عینی تعارض‌آمیز باید به وضعیتی ذهنی تبدیل و یا در آگاهی جلوه یابد.^۹

بنابراین عمل عامدانه و آگاهانه فردی و جمعی نافرمانان که طیف وسیعی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ایجاد و توسعه آن تاثیر دارد، یکی از ویژگی‌های مهم نافرمانی مدنی است، لیکن این ویژگی به تنهایی برای تشخیص و شناخت یک پدیده یا رفتار به عنوان مصداقی از نافرمانی مدنی کافی نمی‌باشد.

^۱ Max Weber

^۲ آنتونی گیدنز، سیاست‌های جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ هشتم (تهران: نی، ۱۳۹۳) ص ۵۴.

^۳ David Emile Durkheim

^۴ امیل دورکیم، در باره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ هشتم (تهران: مرکز، ۱۳۹۸) ص ۵۴.

^۵ امیل دورکیم، درس‌های جامعه‌شناسی: فیزیک اخلاقیات و حقوق، ترجمه سید جمال‌الدین موسوی، چاپ چهارم (تهران: نی، ۱۳۹۸) ص ۱۶۱.

^۶ بیژن طرهانی، معماری اندیشه‌ی سیاسی (تهران: نسل آفتاب، ۱۳۹۶) ص ۲۱ و ۲۲.

^۷ A.D. Lindsay

^۸ حسین بشیریه، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه‌کاری، جلد دوم، چاپ چهاردهم (تهران: نی، ۱۳۹۵) ص ۴۷.

^۹ حسین بشیریه، انقلاب و بسیج سیاسی، چاپ دوم (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۴) ص ۷۲.

هوگو آدام بدو^۱ یکی از ویژگی های نافرمانی مدنی را علنی بودن آن می داند؛ به نظر وی کسی مرتکب یک عمل نافرمانی مدنی می شود که اگر و تنها اگر به طور غیرقانونی، علنی، غیر خشونت آمیز و مبتنی بر وجدان عمل کند و هدفش بی نتیجه کردن، ابطال یا غیر مؤثر کردن (یکی از) قوانین، سیاست ها یا تصمیمات دولت باشد.^۲ رالز نیز نافرمانی مدنی را حرکتی علنی، مسالمت آمیز، وجدان مندانه و اقدام سیاسی خلاف قانونی می داند که معمولاً با انگیزه‌ی ایجاد تغییر در قانون یا سیاست‌گذاری‌های حکومت انجام می‌گیرد.^۳ به نظر وی اگر آزادی بیان سیاسی تضمین گردد، دادخواهی‌های مهم نادیده گرفته نمی‌شوند و در یک حکومت کمابیش نیک گردان دست کم تا اندازه‌ای بدان توجه می‌شود.^۴

در فرهنگ و ادب پارسی ضرب المثل شمشیر از رو بستن به معنی مبارزه علنی و آشکار به منظور تحقیر و تخفیف طرف مقابل و کنایه از مبارزه علنی و آشکار است نه پنهانی؛ و مقصود گوینده این است که اهل خدعه و حيله و فریب نیست، آشکارا مبارزه می‌کند و از اخافه و ارعاب دشمن و مخالف بیم و هراسی ندارد.^۵ ظرفیت و امکان بیان آشکار و علنی موضوع نافرمانی مدنی نیز در جوامع و کشورها متفاوت است. واکنش‌های مردم گاهی آشکار و بی‌حفاظ، ولی در اکثر اوقات پنهان و خاموش است. هرچه بر درجه سخت‌گیری حکومت جدا افتاده از افکار عمومی افزوده شود، بر عمق ناخرسندی و مبارزه سرپوشیده ولی مؤثر مردم نیز اضافه می‌گردد. تداوم روابطی از این دست، بین حکومت و مردم، آغاز انحطاط رژیم‌ها و مقدمه انقراض ارکان حکومت هاست.^۶

۲-۳ مسالمت آمیز و غیر خشونت بار بودن

نافرمانی مدنی با فلسفه عدم خشونت برابر است. تد سی لولن^۷ می‌گوید روش‌هایی که مردم دست به مبارزه می‌زنند، چه روش‌های مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز یا با استفاده از سلاح، همواره مورد توجه انسان‌شناسان بوده است. به نظر وی اگر چه دولت ادعای انحصاری در زمینه استفاده مشروع از زور را دارد، اما چنانچه قدرت را به عنوان توانایی تحت تأثیر قرار دادن فعالیت‌ها و تصمیمات دیگران بدانیم، اشکال متعددی از قدرت در سلسله مراتب پایین دولت نیز دیده می‌شود. برخی از این اشکال قدرت می‌توانند فردی باشند، مانند نرفتن به خدمت سربازی و یا ترک خدمت، یا به شکل مناسبی مانند اعتراضات غیر خشونت‌آمیز گاندی و یا مارتین لوترکینگ^۸ سازماندهی شده باشد. به نظر وی در سطوح

¹ Hugo Adam Bedau

² Milligan, op.cit.at19.

^۳ جان رالز، نظریه‌ای در باب عدالت، ترجمه مرتضی نوری (تهران: مرکز، ۱۳۹۳) ص ۳۶۹.

^۴ جان رالز، لیبرالیسم سیاسی، ترجمه موسی اکرمی، چاپ دوم (تهران: ثالث، ۱۳۹۳) صص ۴۷۰-۴۷۱.

^۵ مهدی پرتوی آملی، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، جلد دوم، چاپ دوم (تهران: سنایی، ۱۳۶۹) صص ۶۹۰-۶۹۱.

^۶ ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳) ص ۷۴۹.

⁷ Ted C. Lewellen

⁸ Martin Luther King

مشترک زندگی بشری در جامعه، خشونت می‌تواند به عنوان آخرین و یا تنها هدف سوءاستفاده از قدرت درک شود.^۱ اما هابرماس بر آن است که می‌توان بدون واژگون‌سازی خشونت‌آمیز نظم اجتماعی موجود به چیزی شبیه حوزه‌ی عمومی دست یافت، البته این بدان معنا نیست که برای تحقق مباحثه عمومی آزاد و نامحدود، وقوع تحولات بنیادی و مهم ضرورتی ندارد.^۲ به نظر والزر تاکید بر عدم خشونت مطلق نافرمانی مدنی، در هر صورت، اندکی ناپسند است، زیرا گاهی اوقات نافرمانان تحریک شده تا به خشونت واقعی روی آورند. یکی از خطراتی که در تعریف غیرخشونت‌آمیز بودن نافرمانی مدنی وجود دارد این است که صرفاً تاکید بر رفتارهای مدنی غیرخشونت‌آمیز و تعیین محدودیت‌های سفت و سخت، عملاً ممکن است دیگر مبارزان و مخالفان را به حرکت در آورد تا نافرمانان نیز از مرزهای قواعد مدنی فراتر رفته و همین امر موجب می‌شود تا پلیس نیز برای مقابله با مجرمان وارد کارزار شود و در این صورت است که مرز بین گروه نافرمانان مدنی و مجرمان مخدوش می‌شود.^۳

بنابراین راهکار و مبارزه برای از بین بردن نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی الزاماً روش‌های خشونت‌بار برای همه‌ی جوامع نیست و امکان دستیابی به اهداف مذکور از طریق مبارزه غیرخشونت‌آمیز و نافرمانی مدنی نیز متصور می‌باشد.

۲-۴ پذیرش مسئولیت عمل

یکی دیگر از ویژگی‌های نافرمانی مدنی مسئولیت‌پذیری نافرمان است. مسئولیت رابطه‌ای حقوقی است که ناشی از فعل یا ترک فعل زیان‌آور باشد، این رابطه از طریق ایفای تعهد مسئول و یا اجرای کیفر درباره‌ی او زائل می‌گردد.^۴ مفهوم مسئولیت در حقوق عمومی از مفهوم اخلاقی آن متمایز می‌شود. در حوزه‌ی اخلاق شخص باید در برابر وجدان شخصی یا اجتماعی پاسخگو باشد در حالی که در حوزه‌ی حقوق عمومی شخص باید در برابر مقامات بالاتر یا نهادهای خاص پیش‌بینی شده به پاسخگویی بپردازد.^۵ همه‌ی اشکال مسئولیت حقوقی (مدنی و کیفری) در مقابل مسئولیت اخلاقی قرار می‌گیرد. مسئولیت کیفری گریبان‌گیر کسی می‌شود که به کل جامعه زیان رسانده باشد ولی در مسئولیت اخلاقی فرد در برابر وجدان خود یا خدا مسئول است نه در برابر جامعه.^۶ نافرمانی مدنی هنگامی توجیه‌پذیر است که نافرمان در برابر مجازات‌هایی که سیستم قانونی برای آن تعیین کرده تسلیم باشد. تمایل نافرمان به پذیرش مجازات نشان می‌دهد که فرد مذکور با دولت یا سایر شهروندان نمی‌جنگد، و نشان می‌دهد که هیچ منفعتی را به صورت ناعادلانه دریافت نمی‌کند.

^۱ تد سی لولن، مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی سیاسی، ترجمه علیرضا گلستانی و مجید اسد نبی زاده (تهران: سخنوران، ۱۳۹۴) صص ۵۹-۷۳.

^۲ رابرت هولاب، یورگن هابرماس: نقد در حوزه‌ی عمومی، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دهم (تهران: نی، ۱۳۹۷) ص ۲۸.

^۳ Walzer, op.cit.at 25.

^۴ محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۵ چاپ هفتم (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۵) ص ۳۳۲۵.

^۵ علی‌اکبر گرجی ازندریانی، مبانی حقوق عمومی، چاپ دوم (تهران: جنگل، ۱۳۸۹) ص ۱۵۰.

^۶ پاتریس ژوردن، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب (تهران: میزان، ۱۳۸۲) ص ۱۸.

نافرمانان مدنی تنها درصدد یافتن فرصتی برای مطرح کردن مسئله خود در خارج از مجاری متداول هستند و در مقابل این امتیاز هزینه‌ای خاص می‌پردازند.^۱ به قول ثورو تحت حاکمیت دولتی که به هر طریق ناعادلانه ای افراد را حبس و زندانی می‌کند، زندان مکان واقعی برای یک انسان عدالتخواه است.^۲

۲-۵ غیر مشروع دانستن قوانین و عدم تابعیت از قانون

مشروعیت عبارت از به رسمیت شناسی فردی است که قدرتی را اعمال می‌کند؛ به عبارت دیگر عادی، طبیعی، موجه و مطلوب دانستن این واقعیت است که فلان شخص دستورهایی بدهد و رفتارهایی تجویز کند.^۳ به نظر رالز از دیدگاه تاریخی، این پرسش که چه هنگام مقاومت و انقلاب موجه‌اند یکی از ژرف‌ترین پرسش‌های سیاسی است. مقاومت و انقلاب تنها به معنای حقوقی ناسازگاری با قانون است که جرم تلقی می‌شود، ولی ناسازگاری با قانونی که از دید بسا کسان مشروعیت خود را از دست داده و ساختار اساسی را ناعادلانه و آزاردهنده می‌داند نشان از یک بحران قریب‌الوقوع دارد و این هشدار است که این گروه‌ها آماده در آمدن به مراحل تدریجی‌اند، زیرا که دیگر راه‌های دادخواهی بر روی آن‌ها بسته بوده‌است.^۴ به نظر جان لاک^۵ میزان تقدس و مشروعیت قانون تنها و تنها رضایت مردم است. مردم حق دارند - حتی با استفاده از زور - قانون را اصلاح کنند و خطاکاران را بر سر جای خود بنشانند، زیرا آن که قانونی خلاف صلاح جامعه وضع می‌کند و آن که آن را به اجرا می‌گذارد، در واقع به مردم اعلان جنگ داده و از جامعه سیاسی فاصله گرفته است؛ پس همواره پیگیری و اصلاح امور در اختیار مردم خواهد بود حتی با کاربرد زور و این را می‌توان همان حق اعتراض انقلابی دانست که لاک به شهروندان داده است تا در برابر آنچه خلاف رضایت آن‌هاست، ایستادگی کنند.^۶

علاوه بر پنج ویژگی اساسی فوق که مورد نظر و اجماع نظریه پردازان می‌باشد، برخی از اندیشمندان بلا اثر بودن پیگیری های قانونی قبلی، محدود و موقتی بودن عمل نافرمانی به لحاظ زمانی و همچنین فراگیر بودن اثر قانون ناعادلانه را نیز از دیگر ویژگی‌ها و معیارها برای تشخیص یک اقدام به عنوان نافرمانی مدنی دانسته‌اند.

۳- مروری بر قوانین حاکم در ایران

تظاهرات و راهپیمایی‌ها از جمله آزادی‌هایی است که براساس آن، افراد، مطالبات و اعتراض‌های خود را در مقابل قدرت عمومی ابراز می‌کنند. در تظاهرات، گروهی از افراد با حضور در معابر عمومی و استفاده از یک فرصت نمایشی

^۱ نورمن بووآی و رابرت سیمون، «نافرمانی مدنی: تأملی در رابطه قانون و نظم»، ترجمه تبسم آتشین جان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۰ (۱۳۷۹) صفحات ۱۶۰-۱۷۵.

^۲ Sauter, op.cit.at24.

^۳ دورماگن و موشار، همان ص ۲۶.

^۴ جان رالز، لیبرالیسم سیاسی، ۱۳۹۳، همان ص ۴۶۹.

^۵ John Locke

^۶ احسان مکتبی، دین و دولت در مکتب قرارداد اجتماعی (هابز، لاک، روسو)، (تهران: کویر، ۱۳۹۶) ص ۸۲-۸۳.

به بیان خواسته جمعی خود می پردازند. اجتماع ها و راهپیمایی ها وقتی رواج می یابد که عده ای از مردم که در امری خاص ذی نفع می باشند و از قدرت عمومی و سیاست های آن و فشارهای وارده بر خود، به نحوی ناراضی باشند و بخواهند به این وسیله از خود مقاومت نشان بدهند. در اکثر این تجمعات شهروندان با گرد هم آمدن در صدد انتقال پیامی به حاکمیت یا دیگر شهروندان هستند و معمولاً نیز پیام‌های انتقادی مدنظر است. شرکت‌کنندگان سعی می‌کنند با زبان مسالمت‌آمیز و بدون توسل به خشونت دیدگاه‌های خود را مطرح کنند. این آزادی‌ها از جمله آزادی‌های مشروعی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آن‌ها را به رسمیت شناخته است.

مطابق اصل هشتم قانون اساسی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی است. یعنی هم دولت نسبت به مردم و هم مردم نسبت به دولت وظایفی دارند. لذا اگر مردم احساس کنند که دولت در اموری اشتباه می‌کند و تصمیمات نادرستی می‌گیرد، در قالب امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند اعتراضات خودشان را نسبت به حاکمیت اعلام کنند. طبق اصل ۹ قانون اساسی، هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. همچنین بموجب اصل ۲۶ همین قانون تشکیل و تأسیس مجامع و انجمن‌ها آزاد است به شرط آن که مخالف استقلال، آزادی و موازین جمهوری اسلامی نباشد. مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی نیز تشکیل اجتماعات، راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حیطه حق آزادی تجمعات رویکرد قابل توجهی را مورد پذیرش قرار داده چنانچه در اصول فوق آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز و آزادی تشکله‌ها و انجمن‌ها، احزاب، جمعیت‌ها را مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند به رسمیت شناخته و مقرر کرده که هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. اما به غیر از این موارد راهکارهای دیگری هم در رابطه با اعتراض به حاکمیت وجود دارد. در اصل ۹۰ به صراحت بیان می‌کند که هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه داشته باشد می‌تواند شکایتش را کتبا به مجلس شورای اسلامی (کمیسیون اصل ۹۰) تسلیم کند و مجلس هم طبق قانون موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و شکایاتی که به قوه مجریه و قضائیه مربوط است از آن دو قوه پاسخ بخواهد و نتیجه را به عموم مردم اعلام کند. یعنی مجلس باید مشخص کند شکایتی که از حاکمیت و دستگاه‌های مختلف شده است به چه نتیجه‌ای رسیده است. البته مردم می‌توانند طبق قانون شکایت خود را به دیوان عدالت اداری تسلیم کنند و دیوان موظف به رسیدگی است و در بسیاری از موارد هم رای دیوان مبنی بر ابطال تصمیماتی است که از سوی دستگاه‌های دولتی گرفته شده است.

طبق قوانین عادی نیز اجتماعات عمومی وقتی مجاز است که مسلحانه نباشد و مخل به مبانی اسلام نبوده یا نظم عمومی را بهم نزنند. اجتماع عمومی ممکن است در مکان عمومی یا غیر آن تشکیل شود. هر گونه راهپیمایی یا حرکت گروهی یا تجمع در راهها و خیابان و میدان‌ها تابع نظامات وزارت کشور است و مقامات پلیس حق دارند در مواردی که نظم عمومی اقتضا کند، اقدام به عمل آورند. در همین ارتباط تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های

سیاسی و صنفی مورخ ۷ شهریور ۱۳۶۰ مقرر می‌نماید که: برگزاری راهپیمائی‌ها با اطلاع وزارت کشور (نه با کسب مجوز) بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ محل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.

در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی - که جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله اعضای ملحق شده بدان است - در مواد ۱۸ (آزادی اندیشه، وجدان و عقیده)، ۱۹ (آزادی بیان)، ۲۱ (آزادی تجمعات) و ۲۲ (آزادی ایجاد انجمن یا پیوستن به انجمن‌ها) درخصوص هریک از حق‌های مزبور قواعد دقیقی ترسیم و مقرر شده است. در ماده ۲۱ میثاق تصریح شده که حق به برگزاری یا شرکت در تجمع مسالمت‌آمیز حقی شناخته شده است و هیچ محدودیتی بر این حق روا نیست مگر این‌که به موجب قانون و در جهت حفظ ضرورت‌های جامعه دموکراتیک و در راستای مصالح امنیت ملی یا ایمنی عمومی، نظم عمومی و حمایت از سلامت یا اخلاقیات عامه یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران مقرر شده باشد. همچنین ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در مورد در بر دارنده مطالب ذیل می‌باشد: حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت شناخته می‌شود. اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد، جز آن‌که بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

مشاهده می‌شود که در ایران هم در قانون اساسی، هم در قوانین عادی و هم در میثاق بین‌المللی که بدان پیوسته و در حکم قوانین داخلی محسوب می‌شوند، ضمن به رسمیت شناختن آزادی اجتماع معیار عدم اعمال و اجرای این آزادی را اخلال به مبانی اسلام دانسته و در واقع اجرای این آزادی را مقید به این محدودیت کلی نموده است و همین محدودیت کلی در قانون احزاب تکرار شده است. لذا آزادی که از آن تحت عنوان حق آزادی اجتماع نیز تعبیر می‌شود یکی از مهمترین حقوق به رسمیت شناخته شده در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش حکایت از این دارد که عامدانه و آگاهانه بودن، آشکار و علنی بودن، مسالمت‌آمیز و غیر خشونت‌بار بودن، پذیرش مسئولیت عمل، غیر مشروع دانستن قوانین و عدم تابعیت از قانون از ویژگی‌های اساسی نافرمانی مدنی است، اگر چه برخی از اندیشمندان بلا اثر بودن پیگیری‌های قانونی قبلی، محدود و موقتی بودن عمل نافرمانی به لحاظ زمانی و همچنین فراگیر بودن اثر قانون ناعادلانه را نیز از دیگر ویژگی‌ها برای تشخیص یک اقدام به عنوان نافرمانی مدنی دانسته‌اند.

نافرمانی مدنی پدیده‌ای چند وجهی و محصول و بازتاب عملکردها و کنش‌های متقابل کنشگران حقوق عمومی است. در این پدیده صرف نظر از دلایل و انگیزه‌های ایجاد آن، هدف نافرمانان مدنی این است که با شیوه‌های مختلف و غیر خشونت‌آمیز دولت را ترغیب یا وادار نمایند که قوانین و مقررات، شیوه عمل یا تصمیمات خود را در جهت خواست

نافرمانان تغییر دهد. توجه به تغییر در مطالبات و انتظارات اجتماعی و سازگار سازی اندیشه حاکمان و در نتیجه حقوق موضوعه با این تحولات و پایبندی دولت ها به رعایت حقوق و آزادی های مصرحه در قانون اساسی، از مهم ترین دستاوردهای نگرش آشتی جویانه به موضوع نافرمانی مدنی است. تصلب قدرت نزد صاحبان قدرت سیاسی و رویارویی مدام نافرمانان و کنش گران اجتماعی با اصحاب قدرت همواره با تنش های فراوانی روبرو بوده و در این میان اندیشمندان حقوق عمومی به طور گسترده ای ضمن توجه به اهداف، نظرات، آرمان ها و اندیشه های عدالت خواهانه مردم و در راستای تاکید بر حفظ و رعایت حقوق بشر، بر حفظ نظم و امنیت عمومی و در عین حال تبیین و تحدید حدود قدرت مقامات و نهادهای دولتی اهتمام داشته اند. این یک حقیقت است که اگر دولت ها همه راه های آزادی بیان و اندیشه را به روی مردم ببندند، انرژی های انباشته شده بالاخره در زمان و مکانی برون ریز می شود و آنگاه شدت آن به گونه ای خواهد بود که رنگ و چهره خشونت آمیز به خود می گیرد. اما اگر از انباشته شدن این انرژی ها در چهارچوب حق آزادی بیان و اندیشه، آزادی مطبوعات و رسانه ها و به رسمیت شناختن حق نافرمانی مدنی پیشگیری گردد، یقیناً مخالفت ها، انتقادات و تعارضات فرصتی برای خشونت آمیز شدن پیدا نکرده و در چهره غیر خشونت آمیز نمود و بروز پیدا می کند. وقتی اختلاف نظرها آزادانه و غیر خشونت آمیز از جانب مردم مطرح و ابراز گردد و دولت ها نیز ظرفیت انتقادپذیری و سعه صدر خود را افزایش داده و این اعتراضات و نافرمانی ها را جزء حقوق مسلم مردم تلقی نمایند و نسبت به اصلاح قوانین و تصمیمات مطابق خواسته مردم یا توجیه و پاسخگویی و تبیین شفاف دلایل اقدامات خود اقدام نمایند دیگر لزومی ندارد که به بهانه حفظ صلح و امنیت، دست به اقدامات خشونت بار و سرکوبگرانه و ضد حقوق بشری علیه مردم بزنند.

ضرورت رعایت حقوق بشر، حقوق شهروندی و اصول متعدد قانون اساسی توسط دولت ها در خصوص حفظ کرامت انسانی و مصون بودن مردم از تعرض های غیر قانونی دولتمردان و همچنین مشارکت مردم در اداره امور کشور اقتضاء می کند که دولتمردان در هنگام تدوین قوانین و مقررات و اتخاذ تصمیمات حاکمیتی به شیوه ای خردمندانه عمل نمایند. بهره گیری از وجوه مثبت دیگر نظام های حقوقی و تجارب دیگر جوامع در زمینه نافرمانی مدنی همراه با شناخت واقعی و به روز از تحولات اجتماعی و انتظارات جدید جامعه، هم از وضع قوانین عجولانه و نابهنجار و ناکجاآبادی پیشگیری می کند و هم دیگر ارکان حاکمیتی کشور را در هنگام مواجهه با جلوه ای از نافرمانی مدنی از ورطه افراط و تفریط و انجام اقدامات و اتخاذ تصمیمات قانون شکنانه و عموماً ضد حقوق بشری نجات می دهد؛ لذا در رویارویی با نافرمانی مدنی، دولت ها باید ضمن تلاش برای حفظ نظم و امنیت عمومی در راستای صیانت از کرامت انسانی مردم و تضمین حقوق بشر و بویژه آزادی های بنیادین بشری و با توجه به دگرگونی های مستمر در روابط پویای فردی و اجتماعی، تلاش بر فهم خواسته و انگیزه و دلایل نافرمانان و چاره اندیشی برای کشف ریشه های نافرمانی مدنی آنها کرده و از واکنش های شتاب زده و تهاجمی یا انفعالی در رویارویی با آن ها پرهیز و آن را به عنوان یک فرصت برای ارزیابی میزان اثربخشی قوانین و تصمیمات در صحنه عمل در جامعه انگاشته و از آن به عنوان یک الگوی رفتاری و مدلی مناسب و قانونمند برای رفتار کنشگران عرصه حقوق عمومی و به عنوان یک شیوه مطلوب نظارت اجتماعی در یک بستر عقلانی، منطقی و قانونی بهره گیری نمایند و بجای شتاب برای مقابله با مردم به بهانه حفظ امنیت و نظم عمومی، شتاب برای

فهمیدن و آگاه شدن از خواست آن‌ها داشته باشند. چرا که حکومت مردم سالارانه و دموکراتیک بیش از این که یک شیوه حکومتی باشد یک حق و حقیقت تاریخی جامعه شناسانه است و مردم در برابر این حق مسلم بشری خود، برای مدتی طولانی تاب و تحمل نفی و انکار حاکمان را نخواهند داشت.

بموجب قوانین ایران این حق برای مردم وجود دارد که اعتراض کنند. وقتی مردم نسبت به تصمیمات حاکمیت اعتراض دارند، قطعاً باید راهکارهایی برای اعلام این اعتراض و مخالفت وجود داشته باشد. زیرا نمی‌توان گفت که هر تصمیمی که دولت و حاکمیت می‌گیرد، مردم اجباراً باید آن تصمیم را بپذیرند و هیچ اعتراضی نکنند. بنابراین تجمعات مردمی و اعتراض‌های مسالمت آمیز یک حق مدنی است و این حق جزئی از حقوق سیاسی و اجتماعی مردم است که بتوانند به تصمیمات حاکمیت اعتراض کنند و حاکمیت هم باید به اعتراض‌های مردمی توجه داشته باشد، زیرا تصمیماتی که حاکمیت می‌گیرد ممکن است به دور از خواست مردم و واقعیت‌های اجتماعی باشد و برای مردم قابل تحمل نباشد. لذا دولت نه تنها به طور سلبی از مداخله و ایجاد مانع در استیفای حق تشکیل اجتماعات منع شده است، بلکه به طور ایجابی نیز متعهد و ملزم به منع مداخله دیگران و همچنین تأمین و تدارک شرایط لازم برای استیفای حق مزبور می‌باشند.

منابع

الف-فارسی

کتابها

- آیت الله زاده شیرازی، سید مرتضی و همکاران، (۱۳۶۳)، مجمع اللغات به چهار زبان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، انقلاب و بسیج سیاسی، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- =====، (۱۳۹۵)، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: لیبرالیسم و محافظه‌کاری، جلد دوم، چاپ چهاردهم، تهران: نی.
- بوراووی، مایکل و دیگران، (۱۳۹۵)، جامعه‌شناسی مردم مدار - جامعه‌شناسی در قرن بیست و یکم، ترجمه بهرنگ صدیقی و همکاران، چاپ دوم، تهران: نی.
- پرتوی آملی، مهدی، (۱۳۶۹)، ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: سنایی.
- ثورو، هنری دیوید، (۱۳۹۳)، نافرمانی مدنی، ترجمه غلامعلی کشانی، چاپ سوم، تهران: قطره.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۵)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲ و ۵، چاپ هفتم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حییم، سلیمان، (۱۳۶۸)، فرهنگ یکجلدی حییم، چاپ هشتم، تهران: فرهنگ معاصر.
- دورکیم، امیل، (۱۳۹۸)، در باره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ هشتم، تهران: مرکز.
- =====، (۱۳۹۸)، درس‌های جامعه‌شناسی: فیزیک اخلاقیات و حقوق، ترجمه سید جمال‌الدین موسوی، چاپ چهارم، تهران: نی.
- دورماگن، ژان ایو و موشار، دانیل، (۱۳۹۶)، مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ چهارم، تهران: آگه.
- رالز، جان، (۱۳۹۳)، لیبرالیسم سیاسی، ترجمه موسی اکرمی، چاپ دوم، تهران: ثالث.
- =====، (۱۳۹۳)، نظریه‌ای در باب عدالت، ترجمه مرتضی نوری، تهران: مرکز.
- روشه، گی، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی سازمان اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ پنجم، تهران: سمت.
- رولان، نوربر، (۱۳۹۴)، انسان‌شناسی حقوقی، ترجمه امیر نیک پی، تهران: نگاه معاصر.
- ژوردن، پاتریس، (۱۳۸۲)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، تهران: میزان.
- طرهانی، بیژن، (۱۳۹۶)، معماری اندیشه‌ی سیاسی، تهران: نسل آفتاب.
- عمید، حسن، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ هجدهم، تهران: امیرکبیر.

- فیشته، یوهان گوتلیپ، (۱۳۹۶)، *نظام آموزه‌ی اخلاق بر اساس اصول آموزه دانش*، ترجمه سید مسعود حسینی، تهران: نشر مرکز.
- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۷۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- گاندی، ماهاتما، (۱۳۶۶)، *همه‌ی مردم برادرند*، ترجمه محمود تفضلی، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- گرجی ازندریانی، علی اکبر، (۱۳۸۹)، *مبانی حقوق عمومی*، چاپ دوم، تهران: جنگل.
- گورویچ، ژرژ، (۱۳۹۱)، *آگاهی جمعی در جامعه‌شناسی دورکیم*، ترجمه فریدون سرمد، تهران: کند و کاو.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۳)، *سیاست‌های جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ ششم، تهران: نی.
- لا بوئی، اتین دو، (۱۳۷۸)، *سیاست اطاعت: رساله‌ای در باره بردگی اختیاری*، ترجمه علی معنوی، تهران: نی.
- لولن، تد سی، (۱۳۹۴)، *مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی سیاسی*، ترجمه علیرضا گلستانی و مجید اسد نبی زاده، تهران: سخنوران.
- لوی برول، هانری و دیگران، (۱۳۷۱)، *حقوق و جامعه‌شناسی*، ژرژ گورویچ، ترجمه مصطفی رحیمی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- =====، (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی حقوق*، ترجمه ابوالفضل قاضی، چاپ سوم، تهران: دادگستر.
- مکتبی، احسان، (۱۳۹۶)، *دین و دولت در مکتب قرارداد اجتماعی (هابز، لاک، روسو)*، تهران: کویر.
- هولاب، رابرت، (۱۳۹۷)، *یورگن هابرماس: نقد در حوزه‌ی عمومی*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ دهم، تهران: نی.
- مقاله‌ها
- احمدی، امیر، (۱۳۹۴)، «احترام به قانون در اندیشه‌ی افلاطون»، فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۱.
- بلیکر، رولاند، (۱۳۸۷)، «رالز و محدودیت‌های نافرمانی مدنی مسالمت‌آمیز»، ترجمه مجتبی همتی، فصلنامه حقوق اساسی، سال پنجم، شماره ۱۰.
- بووآی، نورمن، سیمون، رابرت، (۱۳۷۹)، «نافرمانی مدنی: تأملی در رابطه قانون و نظم»، ترجمه تبسم آتشین جان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۴، شماره مسلسل ۱۰.
- رحمانی، تورج و مختاری، علی، (۱۳۹۴)، «نافرمانی مدنی: ایده‌ای برای عبور از بن بست نظری لیبرالیسم»، دو فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۸.

Books

- American Heritage Dictionary (2002). Fourth Edition (New York: Dell Publishing, Random House, Inc. 1540 Broadway 10036).
- Arendt Hannah, (1972). *Lying in Politics, Civil Disobedience, On Violence, Thoughts on Politics and Revolution*, Fourth Edition (Florida: 6277 Sea Harbor Drive, Orlando).
- Hill Jason D, (2013). *Civil Disobedience and the Politics of Identity: When we should not Get Along* (New York:175 Fifth Avenue).
- Milligan Tony, (2013). *Civil Disobedience: Protest,Justification and the Law* (New York:175 Fifth Avenue).
- Quint Peter E (2008). *Civil Disobedience and the German Courts* (Oxon: UK).
- Sauter Molly, (2014). *The Coming Swarm:DDOS action, hacktivism,and Civil Disobedience on the Internet*. (New York:1385 Brodway).
- Walzer Michael, (1970). *Obligations: Essays on Civil Disobedience, War, and Citizenship* (Harvard University press).